

چماقداری شیوه‌ای ضد انقلابی و ساواکی است جلو آنرا قاطعانه بگیرید

معرض یورش چماقداران واقع شده.

همزمان و بعد از آن، سخنرانها گروه‌های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و جنبش مسلمانان مبارز و سپس سازمان مجاهدین خلق ایران و همچنین جراید و نشریات آنها یا بساط کابینوشیبهی آنان بود که هدف حمله چماقداران قرار گرفت.

این توالی بیصواب و اتفاقی نیست. چماقداری نمیتوانست از همان آغاز متوجه آیت‌الله شود؛ نمیتوانست حزبی چون حزب جمهوری اسلامی را هدف گیرد؛ نمیتوانست هواداران رئیس جمهور را تشنه‌گیری کند.

برای آنکه بدینجا رسیده شون، نیابتی زمینچینی شود. از آن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۵۸، که نخستین یورشهای چماقداران به میتینگهای کارگران زحمتکشان و به هواداران حزب توده ایران سازمان داده شده تا آن سرتیر ۵۹، که چماقداران (بقول مقامات «اشخاص مترفعه») دیرخا که مرکز حزب توده ایران و دفتر قلم مردم را در تهران متخیر و تخریب کردند، ماهها، ساواکیها، ضدانقلابیون، آنها که زیر نام «حزب اللیبی» به حیثیت جمهوری اسلامی ایران ضربه میزدند و آنها که زور نام «جه» به تحریک میزدند و به آن ضربه میزدند، همه داشتند زمینه را آماده میساختند، داشتند مریدانهای جدید و سنگرهای جدید را فتح میکردند، داشتند برخلاف اهداف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و نحوه حکومتی آن، چماقداری را یادگیریک فتنه‌ها بدل میکردند. در آذربایجان، ماهها میگفتند و صدای پرنیاضت و اعتراضی میشنیدند و اگر چه مقامات مسئول آنگونه اصل را طرد میکردند و مرتکبین را تقبیح میکردند از چماقداری تخریب و اشغال تیری میجستند، ولی قاطعانه برای سرکوب این غول که بقیه در صفحه ۲

آنها بیک «فنا» بدل کرد. دربار شاه در سالهای ۲۰ و ۳۰ و ساواک شاه در پایان عمر شوم این سلطنت، از چماقداری علیه مبارزان راه استقلال و آزادی استفاده کردند و هر کس و هر جسی را که با شاه و خاندان خیانتپیشه و سیاست ایران پر-یاد ده او مخالف بود، به یاد چماق میگرفتند. چماقداران بخش مشکل و سازمان یافته‌ای در جنب ساواک بودند و هر وقت که ساواک صلاح میدید، آنها را به آوردگاه میفرستاد و هر گاه که شیوه‌های دیگر تروریسم دولتی را مناسب نمی‌یافت، به آنها می‌پرداخت.

اکنون بر علت و اتفاقی نیست که در جامعه انقلابی ما، دوسال بعد از آنکه رژیم طاغوت از میان رفته و ساواک منحل شده، باز هنگامیکه سخن از چماقداری میشود، بناچار و بطور بدیهی، نام ساواک به میان می‌آید. نه باین علت که رژیم جمهوری اسلامی ما همان رژیم طاغوت باشد، یا این حکومت، به شیوه ساواک متوسل شده باشد، بلکه باین علت که در واقع باز هم این ساواک است، این ساواکیها هستند، این شیوه‌های ساواکی مقابله با خواستهای مردم با اظهار نظره‌های مردم است که دویاره، از جانب ضدانقلاب، به میدان آمده است.

این خود خطیاری است به جمهوری اسلامی ما. این هشدار است به حکومت انقلابی ما، که از ریشه و بن با نظام سابق تفاوت دارد و باید این تفاوت، در تمام تاروپود جامعه حس شود و دیده شود.

امروز آیت‌الله لاهوتی طمعه چماقداران میکردند؛ دیروز دقاتر حزب جمهوری اسلامی از حملات چماقداران مسون نمانند؛ بریرور میتینگهای طرفداران آقای رئیس جمهور بود که مزه چماقداری را چشیدند؛ و قبل از همه آنها، این میتینگهای حزب توده ایران، دقاتر حزب ما و فرزندگان نشریات حزب ما بودند که در

پار اول نیست که «چماقداری» به عنوان اول روزنامهها و به موضوع تخت بیست مردم بدل میشود و جامعه آگاه و انقلابی ما را متوجه خود میسازد. این بار آیت‌الله لاهوتی و حملاتی که چماقداران به سخنرانی ایشان و خود ایشان کرده‌اند، موجب طرح مجدد مسئله شده است. ولی آیا، از نخستین یورش آزادی تاکنون، این مسئله هرگز از دستور روزنامهها ما خارج بوده است؟ ما نیز، صرف نظر از عقیده سیاسی و گسراش‌های آیت‌الله لاهوتی، به طور اصولی، بار دیگر، ماهیت مسئله و خطر آنرا گوشزد میکنیم.

چماقداری همواره وسیله‌ای بوده است در دست طبقات استثمارگر و قلدرد حاکم، که برای دفاع از منافع طبقاتی استثمارگر خویشتن و در برابر اعتراض یا دادخواهی مردم، به آن متوسل میشدند، تا صدای او را در گلو خفه کنند. و قبل از آنکه آنها پلیس و ارتش و دستگاههای شکنجه و زندان دولتی را بسراغ مخالفان یا حق‌طلبان بفرستند، چماقداران را میداندار میکردند، تا آنها سکوت قبرستان را حکمفرما سازند.

چماقداری همیشه وسیله‌ای در دست بزرگ مالکین و خوانین و استثمارگران و حکام زورگو بود و همیشه یکی از درام‌های آنان برای مشکلات اجتماعی و مقابله با فاضلاتی و بسا خواستهای حیاتی مردم بشمار میرفت.

اما در اوج «قدرت» رژیم منحوس شاه، دستگاه‌های کار-آزموده و جبار ساواک، چماقداری را بیک شیوه حکومتی، به یک اسلوب مدون و منظم ایجاد خفتان بدل کردند. ساواک الوارث سنت‌های چماقداری ماقبل خود شد و آنرا بسرحده کمال رساند و در سیستم کشورداری ستشاهی

پرونده سازی علیه حزب توده ایران عاقبت ندارد!

درباره سلسله مقالات روزنامه «انقلاب اسلامی» زیر عنوان «افشای تئوریهای حزب توده برای ایجاد اخلاق و آشوب در ایران» صفحه ۴

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۷
چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۱-۱۴۰۰
۱۵۰ ریال

هشدار:

امپریالیسم آمریکا برای انجام یک کودتای ضد انقلابی در ایران تدارک می بیند

تدارک این کودتای ضد انقلابی را می بیند. ما ضمن هشدار مجدد درباره فعالیت‌های توطئه گرانه آمریکایی چنانچکه وضد انقلاب پرورده‌اش از تمام نیروهای انقلابی وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که هشیاری خود را در مقابل این توطئه جدید ضد انقلابی هر چه بیشتر افزایش دهند زیرا تنها هوشیاری، آمادگی و اتحاد تمام نیروهای مردمی قادر است که هرگونه توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را عقیم گذارد.

سرگرم تدارک یک کودتای ضد انقلابی در مین انقلابی ماست. هفت‌نامه معتبر هندی یلیتی، که چندین پیش نیز خبر از توطئه دیگر آمریکا برای تجزیه کشور ایران داده بود، درباره این توطئه کودتایی نیز اطلاعاتی منتشر کرده است. طبق این اطلاعات، روشن شده است که اشرف معلوم الحال، با پشتیبانی واشنگتن و در ارتباط با کشورهای مرتجع وابسته به آمریکا در منطقه چون مصر، عربستان سعودی و پاکستان

امپریالیسم چنانچکه امریکادادامه توطئه‌های خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اینک

رزمندگان دلاور ایران چند تانک و ابزار مهمات دشمن را از میان بردند

رزمندگان دلاور ایران در روز ۲۶ بهمن ۵۹ در جبهه‌های جنگ، چند موضع دشمن را زیر بقیه در صفحه ۷

قطع وابستگی

عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل
وسيله‌ای در دست ضد انقلاب علیه انقلاب
صفحه دهقانی

ویژه جهاد سازندگی
صفحه دهقانی

روزی که در تبریز قهرمانان خشم توده هاتوفان کرد...

نویسد
(وابسته به حزب توده ایران) شماره ۲ - بهمنیه ۱۳۵۹
(پول‌نامه)
درد شورانگیز به مردم قهرمان تبریز
(انظاریه هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران)

دیروز رژیم شاه، خون شهدای قم را با خون شهدای تبریز شست. دیروز یک بار دیگر دوات مدعی مشروطه، فرزندان ستارخان و باقر خان و غلی میو و حیدر عمو اوغلی را در قلب

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

توطئه تازه ضد انقلاب:

حمله به دختران بی حجاب در خرم آباد

خداقلاقل با حمله به دختران بی حجاب در خرم آباد توطئه جدیدی را برای ادامه تشنج در این شهر آغاز کرده است. در روز ۱۴ بهمن ۵۹، در نزدیکی پل سبز میلان شهرستان خرم آباد عده‌ای زیر پوشش اسلام به سه دختر بی حجاب حمله ور شدند و ضمن

دادن فحشهای رکیک آنها را کتک زدند.

این حمله وقتی انجام میشود که تازه تشنجات وسیع شهرایان گرفته و در خرم آباد اندکسی آرامش برقرار شده است. بدون شک خداقلاقل قصد دارد بعد از توطئه وسیعی که زیر پوشش

حمله عناصر مشکوک به کمیونست فروش

نشریات حزب توده ایران در پی

بندبیل حمله‌مندی به نمایشگاه عکس در پی که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب به وسیله گروهی از هواداران حزب در این شهرستان برپا شده بود، افراد مشکوک به کمیونست فروش نشریات حزب توده ایران حمله کردند و آنها را به آتش کشیدند. ما ضمن محکوم کردن این افعال خداقلاقلی، از مقامات مسئول مریانه‌مطلبی که هرچه زودتر با شناسایی و مجازات این افراد که هدفی جز سرافرازیه نیروهای منافق انقلاب ندارند، توطئه‌های خداقلاقل را خنثی کنند.

حمله ضد انقلاب به دورفیک توده‌ای در کرمان

در تن از هواداران حزب توده ایران در شهرستان کرمان در ۲۵ بهمن ۵۹، به هنگام سپاساندن تراکبی جشن دومین سالگرد پیروزی انقلاب، توسط افراد کینه انقلاب دستگیر و به کتبه برده شدند اما وقتی این رفتار ساعتی بعد آزاد شدند، در بیرون ساختمان مورد حمله عناصر مشکوک قرار گرفتند و به شدت مضروب شدند.

ما ضمن محکوم کردن این افعال خداقلاقلی و غیرانسانی، که حاکی از توطئه‌های بی شمار خداقلاقل علیه حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی استوار هشدار جدی به مقامات مسئول، از آنها مضرانه می‌خواهیم که هرچه زودتر این افراد را مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار دهند.

ضد انقلاب در یزد به نمایشگاه انقلاب و مسجد حمله کرد

افراد مشکوک در یزد با اعلام راهپیمایی زیر پوشش حمایت از رئیس‌جمهور، به یک نمایشگاه عکس (به مناسبت سالگرد انقلاب) در دبیرستان ایرانشهر حمله کردند و ضمن پاره کردن عکسهای امام خمینی و دیگر مقامات مسئول، شیشه‌ها را شکستند. در این جریان چندتن از پاسداران مجروح شدند.

طبق اطلاعات واصله از یزد، روز ۲۱ بهمن ۵۹، اعلامیه‌ای با امضای هواداران رئیس‌جمهوری در سطح شهر پخش شده که در آن از مردم خواسته شده بود که با یک راهپیمایی، حمایت خود را از رئیس‌جمهور اعلام دارند.

در ساعت ۳:۳۰ آفرین، ۳۰۰ نفر، ضمن اجتماع در مقابل مسجد جامع این شهرستان، با دادن شمارهایی علیه روحانیت بیرو خط امام، دست به ایجاد جو تشنج و درگیری زدند. به دنبال این جریان، سیاه پاسداران مجبور به دخالت شد و اقدام به تیراندازی هوایی کرد، که در نتیجه تعداد زیادی از آنها متفرق شدند، اما حدود ۵۰ نفر باقی‌مانده به نمایشگاه عکس و کتاب دومین سالگرد انقلاب در دبیرستان ایرانشهر حمله کردند و ضمن پاره کردن عکسهای امام خمینی و آیت‌الله منتظری تمام شیشه‌ها را شکستند. این افراد سپس به سنگ‌اندازی با ملرف مسجد هویزه پرداختند.

این توطئه با دخالت سیاه پاسداران، که منجر به مجروح شدن چندتن از پاسداران گردید، پایان گرفت.

از آنجا که آقای رئیس‌جمهور بارها اعلام کرده‌اند که ما اینگونه روش‌ها مخالفند، حوادث بالا مسلماً توطئه خداقلاقل است. از اینرو ما ضمن محکوم کردن اینگونه افعال، از مقامات مسئول مریانه‌مطلبی که در این تشنج و فحش‌های رکیک و بی‌گانه قانونی این افراد مشکوک، که در این شرایط حساس دست به ایجاد درگیری و جو تشنج آمیز و نفاق علیه مقامات مسئول و روحانیت مبارز بیرو خط امام می‌زنند، توطئه ضد انقلاب را خنثی کنند.

و وجوه افشراق. در این طیف گسترده، حزب حاکم جامی‌گردد، تا افرادی که دارای اندیشه‌هایی مبنی بر تضاد هستند، جا می‌گیرند، و حتی بعضی گروه‌های سیاسی مثلا حزب توده هم در این خط تضاد جا می‌گیرند. چریک فدایی اکثریت هم می‌گیرد، شاید دیگران هم جا بگیرند. همه این عواملی که در طیف خط تضاد هستند، لزوماً

بررسی مشکلات صنایع کشور در سمینار جهاد دانشگاهی

صاحب‌نظران با بستن قرارداد کورهای احیای مستقیم با آلمان فدرال مخالفت کردند.

به منظور بررسی مشکلات صنایع کشور از طرف جهاد دانشگاهی، سمیناری به مدت سه روز، از تاریخ ۲۹ دی ماه ۵۹ در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

در یکی از جلسات این سمینار، دکتر احمدقلاقله، مسئول صنایع فولاد کشور، مطالبی در مورد نحوه توسعه این صنعت بیان کرد، که با اعتراض شرکت کنندگان در سمینار روبرو شد. وی از جمله معتقد بود که:

«به علت کمبود فنال کک، توسعه این صنعت از طریق احیای مستقیم باصرف از است.»

وی سپس اعلام کرد که:

«به این منظور عده‌ای به آلمان فدرال سفارت کرده‌اند، تا مذاکراتی جهت عقد قرارداد کورهای احیای مستقیم انجام دهند.»

و سپس گفت که:

«به علت پایین بودن کیفیت فنال سنگ ایران، ما مجبور بودیم ۱۰ درصد از فنال سنگ مصرفی خود را از آلمان فدرال وارد کنیم، که به دلیل تعریف اقتصادی با مشکلات زیادی روبرو بودیم. در برابر این سخنان شرکت کنندگان در سمینار مطرح کردند که اگر ده درصد از فنال کک تا این اندازه وابستگی به آلمان فدرال بوجود آورده‌است، چگونه می‌توان مطمئن شد که بستن قرارداد احیای مستقیم با این کشور، ایران را بیشتر به آلمان فدرال وابسته نکند؟ از طرف دیگری آیا تولید ۲۳ درصد از فولاد کشور از طریق احیای مستقیم، که در انحصار شرکت‌های چند ملیتی است، ایران را در خطر وابستگی دائم به امریالیسم جهانی قرار نمی‌دهد؟ علاوه بر این، آیا بهتر نبود با کسب تجربه از کارخانه فولادسازی هواز، توسعه تولید فولاد به روش احیای مستقیم، برای آینده مدنظر گرفته می‌شد؟»

درباره مطلب مربوط به دکتر رفیعی، در شماره ۲۶ بهمن ۵۹ نامه مردم، متأسفانه برخی اشتباهات چاپی رخ داده که پدیده‌سیله تصحیح میشود.

دکتر رفیعی درست نیست، محض علی رفیعی درست است.

سخنرانی در ایرانشهر نبوده، در یزد بوده است.

زمان منتظر

در انتظار، زمانست، تا دشمن و دوست یکی زده رسد و بپروای بزگان گیرد اگر که خصوسه، از چهره‌های نفاق فرزند آتشی و خلق را بپیمان‌گیرد به جنگلبره دهد فرصتی که این خودکام دگمی عراق زنده، گامی اصحابان گیرند و گر که دوست رسد، سود از اتقاق برد به قول خوابه به نیروی آن جهان گیرد رهاند اهل وطن از هجوم بیگانه بپوی امان نهد تا از او امان گیرد زمانه، دیده گشودست، تا جدا زدنک که زودتر رسد و بهره از زمان گیرد

موج دم دیلمه ۵۹ (۱) - از حافظ است

چماق‌داری شیوه‌ای...

شیوه‌های خداقلاقل را تا کلام گفتند و میان‌عمل را از او گرفت. جلو چماق‌داری را باید قلمانه گرفت زبیر پای ادامه زندگی جمهوری ما و نظام نوی انقلابی و مردمی درمیانست. وقایع هفت‌ماه اخیر باید به همه نشان‌دهنده باشد که اشتباه می‌کنند و میکنند آن‌کسانی که فکر می‌کنند و میکنند که چماق‌داری با این گروه و آن گروه مخالف است. چماق‌داری گروه مخالف است. یا حاکمیت مردم، یا دیکراسی شدید دارد. چماق‌داری شیوه‌ای خداقلاقلی و ساواکی است و پادشاه بر همه را خواهد گرفت. اگر در آن‌بند که له نیز حلات متوجه حزب ما بود، باین مسئله اساسی توجه شد، اینک دیگر جای تردیدی باقی نمانده است که چماق‌داری، سرمنظر از نامی که برخوردناهد پیش‌بینی شد. و این روزها، که باردیگر انقلاب لحظات حساسی را می‌گذراند و از جانب توطئه‌های آمریکا خطری جدی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تهدید میکند، متأسفانه می‌بینیم که میدان بیست چماق‌داران آماده است.

این اتفاق نیست. برعکس، این جزئی از توطئه‌های ضد انقلاب است. چماق‌داری به تنهایی و جداگانه است، نفوذ و باسج گوش بی نظریات مخالف نیست، بلکه آماده‌کننده زمینه استقرار فتنه خداقلاقلی است. ساواکیا ماوروند در این زمینه میدان‌داری کند و جو جامعه را بسازند. ما از پیش از یکسال و نیم قبل، رابطه چماق‌داران و ساواکی‌ها را با سند و مدرک نشان دادیم. متأسفانه، که ساواکی‌ها چماق‌داران دستگیر شدند و بزای خود رسیدند، نه محیطی ایجاد شد که شیوه ساواکی چماق‌داری امکان رشد پیدا نکند. اکنون در واقع این گروه و آن گروه با هم مقابله میکنند. آنچه در کشور ما می‌گذرد، چماق‌داری دوطرفه نیست، بلکه خداقلاقلی است که می‌خواهد چماق‌داری را به شیوه «دل» مسائل جامعه، بشیوه مبارزه ستیانی و ایدئولوژیک بدل کند. چماق‌داری را باید محکوم و ریشه‌کن کرد، درست‌بخط آنکه

را قلمانه بگیریم!



پرونده سازی علیه حزب توده ایران عاقبت ندارد

کمتر روزی است که عناصر صراحتکار و تفرقه افکنی که به روزنامه "انقلاب اسلامی" نفوذ کرده اند، سازشی به حزب توده ایران چاپ نزنند و پرونده های علیه ما سازند. مامعولا این نوشته ها را بی پاسخ می گذاریم، زیرا مایل نیستیم به اختلافات دامن زنییم. بویژه که صاحب امتیاز روزنامه "انقلاب اسلامی" آقای رئیس جمهور است و مطالب روزنامه تا وقتی صریحا از آن فاصله نگیرند - نظر ایشان تلقی می شود.

در شرایطی که توجه تمام مردم ایران باید معطوف به جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام و توطئه های پاپاناییدر امپریالیسم خونخوار آمریکا باشد، ما صلاح نمی دانیم که به هر سازشی که برای خود سازگوست، پاسخ دهیم. سکوت ما سکوتی است که امام خمینی توصیه کرده اند.

ولی یکی از نوشته های اخیر روزنامه "انقلاب اسلامی" دارای چنان محتوایی است که نمی توان به آن نپرداخت. منظور داستان دنباله درونی است که زیر عنوان مضحک "افشای تئوری های حزب توده برای ایجاد اختلال و آشوب در ایران" طی یک ماه ونیم در "انقلاب اسلامی" چاپ شد.

این نوشته از بسیاری جهات قابل بررسی است:

نخست این که، به طرز کاملاً صریح و بی پرده، تغییر شی دولت جمهوری اسلامی ایران را طلب می کند.

آمریکا را دشمن اصلی نمی شناسد. دشمن اصلی را اتحاد شوروی معرفی می کند. پیشنهاد می کند که انقلاب ایران به سوی همکاری با آمریکا و دشمنی با اتحاد شوروی برگردد.

در داخل کشور نیز، نویسنده خواستار آن است که با حزب توده "همان گونه رفتار شود که با دشمن" نویسنده مقاله ضد-توده ای "انقلاب اسلامی" همه روحانیت مبارز پیرو خط امام و همه نیروهای امیل انقلابی را هم دنباله رو حزب توده ایران می نامد. نویسنده "انقلاب اسلامی" درباره سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی نیز با صراحت نظری می دهد و آشکارا از سرمایه داری دفاع می کند و راه رشد سرمایه داری را به عنوان برنامه دولت توصیه می کند.

دوم این که مشی توصیه شده در این نوشته، دقیقاً با نظر ریگان درباره ایران و با طرح "آژاکس" (یعنی طرح "سیا" برای کودتای ۲۸ مرداد) تطبیق می کند و مشکل بتوان قبول کرد که ریگان مقابله خود را از "دکترن. احمدینیا" - نویسنده مجبور الهویه "انقلاب اسلامی" - قرض کرده باشد. نوشته او انعکاس نظر ریگان است در روزنامه "انقلاب اسلامی".

سوم این که این نوشته به قصد پرونده سازی برای حزب توده ایران انتشار یافته، و با بررسی آن میتوان چهره واقعی و بی مایک لیبرال ها و ماثویت های چماقدار لیبرالیسم را شناخت و یکبار دیگر آشکارا دید که دفاع ظاهری لیبرال ها از اصطلاح آزادی، فقط و فقط ادا و اصول بورژوازی به قصد فریب قشرهای متوسط ناآگاه است. حضرات لیبرال جاده فاشیسمند. ما ابتدا این نوشته را بررسی می کنیم و در پایان بر ششانی از هیئت تحریریه "انقلاب اسلامی" داریم، که مطرح خواهیم کرد.

چهارم این که این نوشته به قصد انتشار یافته، و با بررسی آن میتوان چهره واقعی و بی مایک لیبرال ها و ماثویت های چماقدار لیبرالیسم را شناخت و یکبار دیگر آشکارا دید که دفاع ظاهری لیبرال ها از اصطلاح آزادی، فقط و فقط ادا و اصول بورژوازی به قصد فریب قشرهای متوسط ناآگاه است. حضرات لیبرال جاده فاشیسمند. ما ابتدا این نوشته را بررسی می کنیم و در پایان بر ششانی از هیئت تحریریه "انقلاب اسلامی" داریم، که مطرح خواهیم کرد.

چهارم این که این نوشته به قصد انتشار یافته، و با بررسی آن میتوان چهره واقعی و بی مایک لیبرال ها و ماثویت های چماقدار لیبرالیسم را شناخت و یکبار دیگر آشکارا دید که دفاع ظاهری لیبرال ها از اصطلاح آزادی، فقط و فقط ادا و اصول بورژوازی به قصد فریب قشرهای متوسط ناآگاه است. حضرات لیبرال جاده فاشیسمند. ما ابتدا این نوشته را بررسی می کنیم و در پایان بر ششانی از هیئت تحریریه "انقلاب اسلامی" داریم، که مطرح خواهیم کرد.

ولی تئوری را نمی توان "افشا" کرد. افشای تئوری، مثل شستن ماست است. چطور شده است که نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی" به فکر افتاده است که تئوری را "افشا" کند؟ علت دو تاس و هردو بسیار مهم:

نخست این که، چون نزدیکترین متحدین و همکاران نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی" پشت سرهم شناخته و افشا می شوند، کارت های سبز آنان یکی پس از دیگری روی آب می افتد، لذا نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی" می خواهد هر طور شده نام حزب توده ایران را نیز به نوعی با کلمه "افشا" مربوط کند و چنین وانمود کند که "افشا" امر عادی و عامی است، به همه سازمان ها مربوط می شود، حتی به حزب توده ایران!

دوم - که مهتر است - این که چون درباره حزب توده ایران هیچ چیز افشاء کردنی وجود ندارد، لذا برای نویسنده ضدتوده ای "انقلاب اسلامی" چیزی جز افشاکردن تئوری باقی نمی ماند!

راستی از حزب توده ایران چه چیزی را می توان افشاء کرد؟ این حزب چهار سال سابقه نبرد مرگ و زندگی در این کشور دارد. این حزب در این چهار سال هواره در کانون حوادث سیاسی و زیر میکروسکوپ دشمنان قرار داشته و تمام سازمان های پلیسی و جاسوسی داخلی و امپریالیستی، از ساواک و سیا و موباد و انتلیجنسی روسی و... کوشیده اند علیه آن پرونده سازی کنند و برای پیدا کردن یک سند، یا یک دلیل وشبه دلیل رسواگر، دنیا را زیر و رو کرده و چیزی نیافته اند.

در این چهار سال اعضای حزب توده ایران، بیستی از ده هزار بار در مراجع مختلف و زیر فشار بازجویی شده اند. هزاران بار خانم های توده ای ها مورد هجوم ترارگرماس است. بیستی از دویت بار یادگاه های نظامی با تقاضای اعدام برای اعضای حزب ما تشکیل شده است. اگر چیزی وجود می داشت، قطعا کشف می شد "خدمه آژاکس" آن را هزار بار بزرگ میکردند و بر سر بازو ها جاری می زدند. اما درباره حزب ما چیز افشاکردنی وجود نداشت و ندارد.

در این چهار سال بیش از صدبار صدای رسای قهرمانان توده ای در میدان های تیر پیچیده و هزاران بار فریاد خشم آلود آنان در زیر تازیانه دشمن، زندان ها را شکافته است. اینان جز عشق به مردم و به انقلاب و به استقلال و آزادی و ترقی میهن، چه داشته اند که بشود افشا کرد؟ در این چهار سال در برابر هزاران قهرمان توده ای، که گلوله ها و زندانها و شکنجه های دشمن را مردانه تحمل کردند، بودند کسانی که راه ارتداد پیروند و به دشمن پیوستند و هر چه می دانستند گفتند. ولی حتی همین مردانین و خائنین به حزب هم چیزی نداشتند که افشا کنند. گفته ها و نوشته ها و شواهد تلویزیونی اینان هم از حدود "افشا" تئوری فراتر نرفت.

حزب توده ایران حزبی است برآمده از متن جامعه. حزبی است که در صداقت عمل و روشنی هدف، افتخار جامعه، تمدن و آگاه ایران است. این حزب طی چهار سال عمر پربار خود، درباره همه مسائل

کثور به طور صریح اظهار نظر کرده و هرگز هیچ چیز پنهان نداشته و همه اسناد خود را منتشر کرده است. همه رهبران حزب برای دوست و دشمن شناخته اند. هر بار که هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران گرد می آید، قریب دویست سال زندان دورهم می نشینند: از زندان رضا شاهی تا آخرین روزهای زندان محمد رضاشاهی!

این بدان معناست که تک تک اعضای هیئت سیاسی حزب ما از نوجوانی در جنبش انقلابی شرکت داشته و زیر میکروسکوپ پلیس دشمن قرار داشته اند و این پلیس، با تمام فرومایگی خود، نتوانسته است علیه آنان "افشاکردی" کند.

نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی" از ناتوانی است که برای افشاکردی به سراغ "تئوری" رفته و خود را بطور کاملاً علمی و با تخصص تمام، مسخره کرده است.

تحلیل علمی یا پرونده سازی؟

دستاویزی که نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی" برای نوشتن داستان دنباله دار خود ذکر کرده این است که، گویا بورویس پاناماریف، ده سال پیش، کتابی نوشته که حزب توده ایران همان وقت آنرا به خارج منتشر ساخته و حالا گویا به قصد خامی (!) آنرا تجدید چاپ کرده، که "دلرای اهمیت ویژه ای است!" به گفته نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی": "در تمام حوزه های حزبی جوانان، تحلیل و به کار بست این تئوری توصیه می شود!"

خوانندگان ما قطعا تعجب خواهند کرد، اگر بدانند که اصولاً بورویس پاناماریف چنین کتابی نوشته و حزب توده ایران اخیراً آنرا تجدید چاپ نکرده و در حوزه ها هم توزیع آن را نکرده است.

این همه جنجال، که یکماه ونیم وقت روزنامه "انقلاب اسلامی" را گرفت، درباره یک سخنرانی است که حدود ده سال پیش ایراد شده و همان وقت منتشر شده است. تجدید چاپ آنهم اخیر نیست. مال ماههای اول پس از انقلاب است. در آن زمان نه فقط این نوشته، بلکه همه انتشارات خارجی حزب از طرف چندین ناشر مختلف، بارها و بارها تجدید چاپ شد. توصیه خواندن آنهم در تمام حوزه های حزبی صاف و ساده جعل است.

اینک برای اینکه وزن علمی نویسنده مجبور الهویه روزنامه "انقلاب اسلامی" را به خوانندگان نشان دهیم، بریده هایی از این نوشته را به نظر خوانندگان می رسانیم: روزنامه "انقلاب اسلامی" با تیتیر درشت ادعای تحلیل کتاب را مطرح می کند:

"تحلیل یک کتاب - نوشته: بورویس پاناماریف ناشر: حزب توده"

ملاحظه می کنید که برداشت ظاهر علمی دارد: هم نویسنده هم ناشر معرفی شده اند و هم "تحلیل کتاب" وعده داده شده است. اما خود تحلیل کننده "کتاب" در چهارمین شماره داستان دنباله دارش، می نویسد که این کتاب در حقیقت سخنرانی است که گویا در کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست

شوروی ایراد شده است:

"کتاب مسائل مبرم تئوریک نوشته بورویس پاناماریف را که در حقیقت سخنرانی او در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی است"

خوانندگان ما باور نخواهند کرد، اگر بشنوند که این سخنرانی ده سال پیش، کهماچنین دبدبه و کیکه های "کتاب نوشته بورویس پاناماریف" نامیده شده، تازه در کنگره حزبی هم ایراد نشده، بلکه در یک کنگره علمی ایراد شده و این مطلب سیاه روی سفید در همان کتاب مستطابی که نویسنده "دانشمند" به تحلیل آن پرداخته، قید شده است. توجه کنید! در مقدمه سخنرانی پاناماریف نوشته شده است:

"از ۲۹ سپتامبر تا ۱۱ اکتبر ۱۹۷۱ در مسکو یک کنفرانس علمی به ابتکار انستیتیوی "مارکسیسم - لنینیسم" و "آکادمی علوم اجتماعی" و "مؤسسه عالی حزبی" وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و نیز بخش علوم اجتماعی فرهنگستان علوم شوروی تشکیل بود.

رفیق بورویس پاناماریف نامزد پلیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این کنفرانس نظقی تحت عنوان "مسائل مبرم تئوریک مربوط به پیروسی جهانی انقلابی" ایراد کرد."

چنین جعلی، صاف و ساده چندی آورا است. کسی ادعا می کند که می خواهد کتابی را تحلیل کند. روزنامه ای هم که از حمایت "علم و تخصص" جفاک ساخته، ادعا می کند که با حروف درشت تیتیر می زند و تازه معلوم می شود، کتابی موجود نیست، سخنرانی است و "دانشمند" تحلیلگر حتی از محل سخنرانی هم خبر ندارد!

و این هنوز تمام مسئله نیست. سخنرانی سال ۱۹۷۱ پاناماریف با مقاله دیگری، که هم او در بهار ۱۹۷۲ (۱۳۵۲) در "مجله صلح و سوسیالیسم" نوشته، یکجا چاپ شده و "دانشمند" تحلیل گر، بخش عمده نقل قولهای خود را از این مقاله آورده و به حساب سخنرانی در کنگره بیست و چهارم گذاشته است! این است وجدان علمی نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی"!

گفتیم که تحلیل گر حتی از محل سخنرانی هم خبر ندارد و یک سخنرانی را با مقاله ای که سه سال بعد از آن نوشته شده، با هم قاطی می کند. آیا برآستی این همه از روی نادانی است؟ آیا واقعا این دانشمند محترم اینقدر سواد فارسی نداشته است که لااقل محل سخنرانی را - وقتی به آن اهمیت می دهد و ذکر می کند - درست بشناسد و درست منتقل کند؟ و اگر از مقاله ای نقل قول می کند، آن را به دروغ به حساب کنگره فلان حزب نگذارد؟

در اینکه نویسندگان این گونه مقالات از نظر سواد سیاسی و اجتماعی در سطحی بسیار پائین قرار دارند، حرفی نیست. ولی فراموش نکنیم که نویسنده اصولاً قصد تحلیل کتاب را نداشته، بلکه هدف او پاپوش - دوزی و پرونده سازی است و لذا به احتمال قوی، دانسته و فهمیده، اسم کنگره حزب کمونیست و غیره را می آورد، تا به خیال خود

پرونده حزب توده ایران راستگینتر کند.

نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی" این "تحلیل دانشمندان" را برای این نوشته است که ثابت کند "دستور العمل از مسکو" رسیده است و به حزب توده ایران ماموریت "برای نفوذ و به انحرف کشیدن انقلاب" و "ایجاد اختلال و آشوب" داده شده است! تیتیرهای "انقلاب اسلامی"، که تمام صفحه را پوشانیده، اینهاست:

"ایجاد اختلال و آشوب در ایران - دستور العمل های مسکو برای نفوذ و به انحرف کشیدن انقلاب چیست؟"

وقتی پرونده ای با این هدف ساخته شده آن وقت طبیعی است اگر پرونده ساز کفرانسی علمی را کنگره حزبی جا می زند، به این خیال که اهمیت به ادعایش بدهد.

"دستور العمل مسکو برای نفوذ به انحرف کشاندن انقلاب!" و "برای ایجاد اختلال و آشوب در ایران!"

این "دستور العمل" کی صادر شده است؟ ده سال پیش! در کجا؟ در یک کفرانسی علمی یا یک مجله تئوریک! به چند زبان و در چند نسخه در سراسر جهان منتشر شده است؟ میلیون ها و میلیون ها! آیا حتی مقام امنیتی شاه هم جرات می کرد مطلبی را که ده سال پیش به دهها زبان و در میلیون ها نسخه در سراسر جهان پخش شده، "افشا" کند؟ آیا جزای می کرد چنین چیزی را "دستور العمل" بخواند؟

تکته اینجاست که نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی"، که هر چه کوشیده، نتوانسته است در سیاست حزب ما و در اسناد آن و در توصیه های حوزه های حزبی، که مدعی اطلاع از آن است، حتی یک دستاویز برای پرونده سازی پیدا کند، به سراغ سخنرانی ده سال پیش یک فرد در یک کنفرانس علمی رفته و آن را برای امروز حزب توده ایران دستور العمل حرفی کرده است!

درباره این "وجدان علمی" چه باید گفت؟ داستان "دستور العمل" هم شبیه داستان "افشاکردی" است. در روزهای "دستور العمل" صریح روزمره برزیسنکی، ریگان، هبگ و عمل آمریکا در ایران صادر می شود و در روزنامه ها درج می گردد و حتی رئیس جمهور بخشی از آنها را افشا می کند، نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی"، برای این که دستور العملی هم برای حزب توده ایران بنماید، "سراغ سخنرانی ده سال پیش کسی می برد که درباره مسئله دیگری سخن می گفته و در آن زمان، مانند بقیه مردم جهان و ایران، تصویری هم از انقلاب امروز ایران نداشته است. نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی"، با وجود امکانات وسیعی که بطور کامل علمی "دراختیار دارد، نتوانسته است "دستور العمل" دیگری بدست آورد!

و اما نقل قول هایی که میروند - ساز "انقلاب اسلامی" آورده، بیشتر از مقاله سال ۱۹۷۴ "مجله صلح و سوسیالیسم" است، که پس از کودتای فاشیستی شیلی، نوشته شده و طبیعتاً زیر تاثیر این حادثه بزرگ قرار داشته است. توجه همه انقلابیون جهان، و از جمله پاناماریف، در آن روزها معطوف به این موضوع مهم بود که محافل امپریالیستی چگونه توطئه می کنند و جنبش های رهاشی بخش ملی و دولت های انقلابی چگونه باید از خود دفاع کنند. مضمون مقاله پاناماریف هم، برخلاف نویسنده مقاله ضدتوده ای "انقلاب اسلامی" خطاب به کمونیست ها برای روح بقیه در صفحه ۶

هشدار! مجتمع فولاد اهواز نباید تعطیل شود

می‌کند و زمینه اخراج آنان را فراهم می‌آورد. هدف دیگر ضدانقلاب این است که نهادهای انقلابی را از نیروی خلاق کارگران محروم کند. خوشبختانه بیش از ده هزار نفری که کارکنان این واحد (مجتمع فولاد) را تشکیل می‌دهند و بویژه کارگران شریف و مبارز آن، تاکنون دست رد به سینه ضدانقلاب نکرده‌اند. آنان دستگیر دفاع از انقلاب و میهن انقلابی‌استوار ایستاده‌اند.

ولی، متأسفانه، بر تلافی دردناک مسئولین و نهادهای انقلابی مجتمع فولاد، بر برابر این وضع حساس، برای

صنعت فولاد بخش مهمی از صنایع مادر است. خودکفایی در تولید فولاد نقش مهمی در حیات اقتصادی جامعه اینا می‌کند. ولی با کمال تأسف باید گفت که دو سال پس از پیروزی انقلاب، مجتمع فولاد اهواز، وضع آشفته و نابسامانی دارد.

این روزها شایبه تعطیل کردن مجتمع فولاد، از سوی عناصر چپ‌پنا و ضدانقلاب، به‌منظور ایجاد تگرانی در میان کارگران زحمتکش، برانگیزان کردن آنان نسبت به انقلاب و سرانجام باهدف دامن زدن به جو تحریک و قتل و توطئه، شدت دنبال می‌شود. با این دسیسه‌گریها باید هرچه زودتر مقابله شود.

• سازندگی و تولید ضرورت انقلاب است.
• ضدانقلاب و آشوبگران، فقط ترس‌های تولیدی و اجتماعی سالمی می‌شوند

کارگران مسئله‌ای شده است. آنان از خود می‌رسند: چرا از سوی مسئولین عکس‌العمل قطعه‌ای در برابر این شرایط ابراز نمی‌شود؟

براستی بر تفاوت ماندن در برابر هواری از این قیل، به چه نیروها و کدام سیاستها میدان خواهد داد؟

در شرایطی که حل مشکلات و مسائل اساسی، از قیل دهم شکستن سرمایه‌داری بزرگ‌ساز است به‌امپریالیسم و بزرگ‌سالکی، یکبارگی و... در دستور روز انقلاب قرار دارد، راکد گذاشتن یک واحد عظیم صنعتی، حتی تعطیل موقت آن، قابل قبول است؟ یکبارگی که یکبارگی هزاران نفر از کارکنان این مجتمع خود بار سنگینی است بر سیاست اشتغال دولت.

مجتمع فولاد اهواز، علیرغم دشواری‌هایی که در زمینه‌های قوی و برنامه‌ریزی با آن دربروست، می‌تواند و باید بیکار

متأسفانه پاره‌ای از عناصر ناکام و در عین حال مومن به انقلاب، با عنوان کردن مسائلی از قیل هوابسته بودن مجتمع فولاد یا سنگینی بار دستمزدها بر دوش دولت، زمینه چینی‌تری برای تعطیل موقت و محدود کارخانه بوجود می‌آورند.

حساست لحظه و نیازهای مرمی انقلاب در مرحله کنونی، تگرانی افراد صدیق و هوادار انقلاب را نسبت به چنین شایعات آشوبگرانه، سدچندان می‌کند.

در شرایط تیزباز آمریکای صدام، که خود بخشی از زنجیره پایان ناپذیر توطئه‌های امپریالیسم امریکاست، و همزمان با مسئله سازی‌های مداوم لیبی‌ها و مائوئیستی‌های آمریکائی در داخل کشور، این شایعات تهاجمی‌تواند سرآغاز تحقیراتن دسیسه‌های گوناگون ضدانقلاب باشد.

ضدانقلاب، بویژه در لیس چپ‌نازی، با یخ‌ترین شایعات و سون‌جویی از آن، در صدد است کارگران را از شرکت در طرح‌های انقلابی، از جمله همکاری با جبهه سازندگی باز دارد. ظاهراً بانه این است که این کارها کارگران را از محیط کارخانه دور

عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل وسیله‌ای در دست ضدانقلاب علیه انقلاب

گفت ، این است که - از آنجا که این حوادث در چندین کارخانه مختلف همزمان رخ داده است - به احتمال قریب به یقین این طرحی از قبل آماده شده و سازمان یافته است . این حوادث بیانگر فعالیت شدید ضدانقلاب است که بر اثر سهل‌انگاریها ، ندانم‌کاریها و کارشکنیها بوجود آمده است .

برای جلوگیری از سوء استفاده عوامل ضدانقلاب ، باید به خواستهای منطقی کارگران رسیدگی شود ، با حداقل علت عدم رسیدگی به خواسته‌ها و اجرا نشدن آنها در شرایط حاضر توضیح داده شود .

ناگفته نماند که در شرایط کنونی نمی توان مشکلات موجود ناشی از جنگ و فعالیت ضد انقلاب و لیبیرال -

پیرو اعلامیه جدید وزیر کار مبنی بر اینکه دولت خود در صدد اجرای یک طرح جامع طبقه‌بندی مشاغل برای عموم کارخانه‌هاست و لذا کارخانه‌ها باید در اجرای این طرح دست نگهدارند ، موجهی از تحریک و آشوب تعدادی از کارخانجات شهر صنعتی البرز را دربر گرفت. تاکنون در زمان طاغوت بسیاری از این کارخانه ها از طبقه‌بندی مشاغل برخوردار نبودند و کارگران برای اینکه بر مبنای کار خود دستمزدها دریافت دارند ، پس از انقلاب خواستار اجرای این طرح شدند ، طرحی که تا کنون در مورد اجرای آن کوتاهی شده است . کارگران اجرای این طرح را به عنوان افزایش دستمزد خود تلقی می کنند و البته در این باره ، بدلیل گرانی بیش از حد ما محتاج زندگی ، خود را محق

• در مورد مسائل کارگری و مشکلات موجود باید برای کارگران توضیحات کافی داد و در رفع آنها از خود کارگران یاری گرفت.

هاو مائوئیست های آمریکایی را نادیده گرفت . ولی باید به کارگران در مورد این مسائل توضیحات کافی داده و در رفع آنها از خود کارگران یاری گرفت . کارگران بارها در شرایط حاد و مشکل کشنده دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن برخاسته‌اند ، این انقلاب را انقلاب خودشان می دانند و حق خود می دانند که خواسته‌هایشان را از آن بطلبند .

می دانند ، از اینرو بعضی از شوهرای کارخانه‌ها و بعضی از مدیران به کارگران وعده‌های این طرح را داده و به آنها قول داده‌اند که با این تفاوت آنرا هم ، از تاریخ چند ماه پیش به‌درازدن این زمینه ناراضی ، در بین کارگران ، وسوسه‌های شده است در دست عناصر شناخته شده‌ای که سعی میکنند کارخانه‌ها را به تعطیلی بکشانند . در زیر نهمه‌هایی چند از این تحریکات آمده است :

کارخانه ری. او. واگ
چندی پیش در کارخانه "ری - او - واگ" واقع در شهر صنعتی البرز ، به تحریک یکی از وابستگان گروهک چپیی آمریکایی "رنجیبر" و با هدایت تعدادی از افرادی که آنها هم از گروهکهای مائوئیستی بودند ، بدون آنکه کلیه کارگران موافق باشند ، خط تولید را از حرکت بازداشتند و کارخانه به بیانه عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل یک روز تعطیل شد . ولی روز بعد با توضیح شواری کارخانه

بروسمیت است که با تداوم لازم ، در جهت رفع مشکلات کنونی کامپای جدی بردارند . همچنانکه بویژه کار گفته است ، هیئتی برای رسیدگی به طبقه‌بندی مشاغل مشمول کار است و بزودی نیز طرحی جامع در این مورد ارائه خواهد شد . البته این امری است که باید با دقت کامل صورت گیرد و دست ضدانقلاب را برای سوء استفاده از این موضوع ، از کارخانه ها ، کوتاه کند .

کارگران نیز باید بر این حقیقت آگاهی داشته باشند که تنها منتها از طریق مبارزه اصولی و منطقی ، و سخن

• حوادث اخیر شهر صنعتی البرز بیانگر فعالیت گسترده و سازمان یافته ضدانقلاب است

دیگر ، با در نظر گرفتن مصالح انقلاب ، می توانند به خواست های حقه خود دست یابند . به این ترتیب امروز پشتیبانی از انقلاب ضروری است ، در غیر این صورت ، راه به جایی نخواهیم برد . مشکلات فراوان است . ولی کارگران باید با مشارکت خود و با ارائه طرحهای مفید ، به مسئولین یاری برسانند . این انقلاب به یاری زحمتکشان باید گسترش یابد و این وظیفه‌ای است که باید توسط زحمتکشان تحقق یابد .

سخن آخر این که ، طرح طبقه بندی مشاغل در دستور کار مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفته است . طبقه کارگر باید با اعتماد به حسن نیت این مسئولین دهان یابوم کویان را ببندد . از طرف دیگر دست اندرکاران وزارت کار نیز با تدوین سریع و اجرای قاطع و انقلابی طرحها و ضوابط انقلابی ، با مشارکت نمایندگان واقعی کارگران ، ضد انقلاب را در کارخانه ها خلع سلاح خواهند کرد .

ما بار دیگر تأکید می کنیم که مسئولین کنونی وزارت کار ، با حسن نیتی که علا نشان داده‌اند ، شایسته اعتماد ما نیستند . اما این اعتماد باید هر چه واضح تر و ملموس تر به عموم کارگران نشان داده شود . چنین پیوند انقلابی میان مسئولان انقلابی و طبقه کارگر ، ضامن حفظ نمودن انقلاب در واحدهای تولیدی و خدماتی است .

و دیگر کارگران آگاه ، کارگران تولید را شروع کردند .

کارخانه پارچه بافی «تینتینگ»
در کارخانه پارچه بافی "تینتینگ" که حدود یک هزار و پانصد کارگر و کارمند دارد ، نیز به علت عدم اجرای این طرح ، کارگران چندین روز از خروج تولید کارخانه جلوگیری کردند . پس از توضیح مقامات مسئول و قول اینکه طرح را در آینده نزدیک اجرا خواهند کرد ، کارگران خروج محصول را آزاد کردند .

شرکت «سیکاب»
در شرکت "سیکاب" ، که سازنده انواع کابل های برق و تلفن است و در حدود چهارصد نفر کارگر و کارمند دارد نیز این مشکل به مقیاس وسیع تری وجود دارد . در این کارخانه شورا خود موافق دست کشیدن از کار است .

از تاریخ ۵/۱۱/۵۹ ، کارگران بعد از اعلامیه اداره کار به توصیه شورا دست از کار کشیدند و خواهان پرداخت مبالغ تفاوت دستمزد خود شدند و حتی در روز ۸/۱۱/۵۹ ، عسدهای به حسابدار کارخانه حمله و او را زخمی کردند . البته با دخالت سپاه پاسداران شهر صنعتی البرز از درگیری جلوگیری شد . آنچه که می توان در این مورد

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

خود ادامه دهد . برنامه ریزی اشتغال نمریخ کارگران ، با توجه به امکانات کنونی کارخانه‌ها و نهادهای انقلابی خوزستان ، کاری است ضرور و ممکن .

بخشنامه اخیر رئیس مجتمع خطاب به کلیه مسئولین واحدها و از جمله واحدهای تابعه ، مسئولین این واحدها و کارکنان ذیصلاح و صاحب نظر را به ارائه طرحها و پیشنهاد در جهت بهبود وضع کارخانه فراخوانده است . این اقدام گامی است مثبت در جهت بهبود اوضاع و کاهشی تشنج‌هایی که بدنبال این شایعات بوجود آمده است .

اما این فضا آغاز کار است . باید گامهای بعدی را برداشت ، تا زمینه شایعه‌سازی ریشه کن شود و ناراحتیها از میانه بریزد ، والا نابسامانی هاهواره محیط را تحریک پذیر خواهد کرد .

بطور کلی باید گفت که راه برون رفت از تنگنا وابستگی ، که ریشه دشواریهای کنونی است ، در تعطیل واحدها و از جمله مجتمع فولاد نیست . باید دید تجربه انقلابی دیگر کشورها ، آنها که در مبارزه ضد امپریالیستی متحد ما هستند ، چگونه مسئله رفع وابستگی را حل کرده است . فقط از این راه می‌توان مجتمع فولاد و دیگر واحدهای بزرگ صنعتی را از گرداب موانع و مشکلات بدر آورد و ضمن تقسیم کار و زندگی کارگران آنان را به آینه‌های انقلاب و سرتوشت خود امیدوار ساخت و زمینه کارشکنی‌های ضدانقلاب را از میان برداشت .

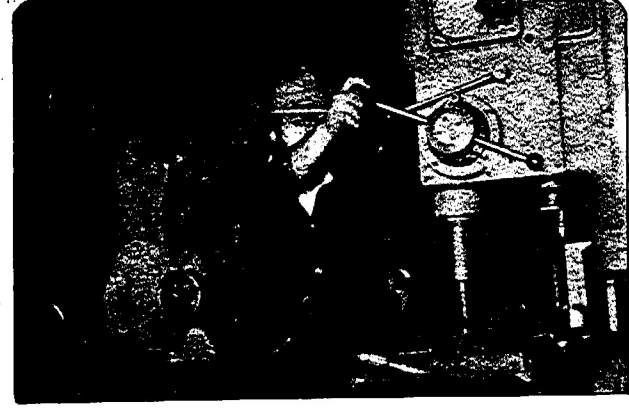
و سخن آخر این که : سازندگی و تولید ، ضرورت انقلاب است . باید دستهای توانای تلاش و از جان‌گشنگی را متعنا به کار گرفت و از رکود به رونق در تولید رسید . ما مسئولین و نهادهای انقلابی مجتمع فولاد اهواز را به کوشش بیشتر در این جهت فرامی‌خوانیم .

گنبد کاووس - به امید کارگران تر آشکار جامه عمل ببوشانید!

کوتاه کرده است . آنها به کشور ما تها و ز کرده اند ، تا این انقلاب را به شکست بکشانند . ولی ما همه سختی ها را تحمل خواهیم کرد و حتما صدمه او را با جانی اش

۶ الی ۷ بعد از ظهر کاری کنیم . فقط ظهرها برای صرف نهار یک ساعت و نیم تعطیل می‌کنیم .

بیشتر این کارگران از



کمبود مواد اولیه، کارگاهها را تهدید می‌کند

مزا یای قانونی چون حق مسکن ، حق خواب و روبر ، دفترچه بیمه های درمانی و سایر مزایای بهره‌مند در ادا می‌گفتند و کارگران نظر آنها را راجع تجاوزات آمریکا و دستیارش صدام جویا شدیم . یکی از کارگران گفت :

" اکنون که دولت انقلاب دست غارتگران را از میهن ما

در حال حاضر تعداد زیادی از کارگران تراشکار - بعلت کمبود مواد اولیه - بیکار شده اند و عده ای که فعلا شاغلند ، مجبورند با حداقل حقوق کار کنند .

برای اطلاع از وضع تراشکاران با کارگری بنام عسداد کارگر تراشکاری در خیابان طالقانی شرقی - به گفتگو نشستیم . او گفت :

" مواد اولیه کمیاب است ، نه آهن پیدا می‌شود و نه تیغه و سیم جوش و اردکنندگان ، این اجناس را احتکار کرده اند و اگر هم پیدا شود ، خیلی گران است "

از عبا دربارا به دستمزدش پرسیدیم ، در پاسخ گفت :

" من و محمد (شاگرد دیگر کارگاه) هر یک ماهی هجده هزار ریال می‌گیریم ، با این وضع گرانی ، حقوق نا چیز ما بجای نمی‌رسد .

او در مورد ساعات کار اظهار داشت که :

" ما از ساعت ۷/۵ تا ساعت

قطع وابستگی

همه شئون مختلف زندگی کشور تحمیل کردند.

هر وابستگی یک ارتباط دوجانبه است: جانبی که در تحمیل آن جوانی که در پذیرش آن ذنبفع است. روزگاری بود که جانب تحمیل کننده وابستگی، یعنی دولت های استعمارگرا امپریالیستی می توانستند با زور سلاح به منوی بسیار آسان تر وساده تر وابستگی را به مطلق های ضعیف تر تحمیل کنند، استقلالشان را بگیرند و کشورها را با یک نایب السلطنه کمیسر و یا حاکمی که از سوی ملکه انگلستان و یا پادشاه بلژیک و پاریس جمهور فرانسه فرستاده می شد، به صورت مستعمره یا تحت الحمايه و غیره اداره کنند. استعمارگران، تا زور داشتند، از این شیوه استفاده می کردند.

اما پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، که در نهایت امپریالیسم سرزوری خود را آغاز کرد، کاربرد شیوه زور عربان برای استعمار خلق ها پیوسته دشوارتر و دشوارتر گشت، و پس از جنگ دوم جهانی، که جامعه کشورهای سوسیالیستی به وجود آمد، مدو به مدو مهم ترین عامل بازدارنده امپریالیسم تبدیل گشت، و سیستم مستعمراتی امپریالیسم فرو پاشید، دیگر کاربرد این شیوه غیرممکن شد. در این هنگام بود که نقش عنصر پذیرایی وابستگی در کشور های "دنیای سوم" و مستعمرات سابق افزایش یافت.

در ایران ما، که در دوران پس از جنگ به یکی از کانون های مهم انقلابی

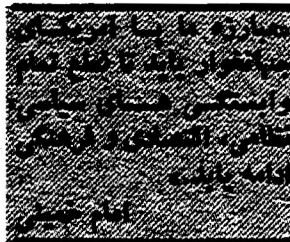
رهنود امام خمینی در باره این مسئله که باید تا قطع تمام وابستگی های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، به مبارزه خود با امپریالیسم جهان خوار ادامه دهیم، در حقیقت خطوط اصلی استراتژی ضد امپریالیستی انقلاب بزرگ مردم ایران را مشخص می کند.

چگونه می توان به این هدف استراتژیک رسید؟ چگونه می توان به تمام این وابستگی ها پایان داد؟

این سؤال نه تنها از نظر آینده کشور و انقلاب، بلکه هم چنین به دلیل جوگرافی که نیروهای طرفدار بقای این وابستگی ها می گویند در ارتباط با آزاد شدن "گروگان" ها فراهم سازند و جهان را نمود کنند که پس از آزادی "گروگان" ها ما دیگر با آمریکا جهان خوار سرکرده امپریالیسم جهانی، اختلافی نداریم، حاضر اهمیت طراز اول است.

به عقیده ما، بهترین راه پاسخ دادن به این سؤال آنست که به بنیم این وابستگی ها چرا و چگونه به وجود آمدند، علت راکتف کنیم و آن را از بین ببریم. ما چگونه به امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا وابسته شدیم؟

وابستگی بدین ترتیب ایجاد شده که طبقات و اقشاری از خود ایرانی ها که در دوران اخیر محمدرضا شاه نماینده و سخنگوی آنان بود، و منافعتشان با این وابستگی هم سویی و توافق داشت، خود پذیرای این وابستگی و حامل آن شدند و آن را با زور سرزیزه به تمام مردم و



امام خمینی

سرمایه داران وابستگان بزرگ وارد ساخت، اما این مواضع را به کلی از بین نبرد. گذشته از این، بخش دیگری از سرمایه داری، که سرمایه داری لیبرال شهرت یافته، چون - به دلایل منبوی روشن - لنک لنگان به دنبال انقلاب آمد، توانست مواضع مهمی را در زمینه اقتصادی، سیاسی و اداری حفظ کند و حتی به دست آورد. اگر مردم و نیرو های انقلابی در صحنه نبودند، و اگر سازش پذیری رهبر انقلاب نبود، این طبقات و اقشار که با وابستگان و با گرایش به وابستگی به امپریالیسم دارند تا کنون صدها بار فاتحه انقلاب را خوانده بودند. این را عنصر تحمیل کننده وابستگی امپریالیسم - نیز به خوبی می دانند و به همین دلیل تمام کوشش خود را برای برپا آوردن حکومت "معتدل" لیبرال ها به کار می بندند.

بنابراین برای قطع وابستگی ها به آمریکا جهان خوار - و همه امپریالیست ها شامل از هر چیز باید زمینه اقتصادی - اجتماعی این وابستگی را از میان برداشت.

انقلاب اگر این زمینه اقتصادی - اجتماعی را از بین نبرد و فقط در حرف و شعار غرق شود، هرگز نمی تواند خود را در برابر برقراری مجدد روابط وابستگی به امپریالیسم و یک حکومت دیکتاتوری سب، که لازمه حفظ نگاه روابط تحمیلی است، مهمن نگاه دارد. در اینجا است که نیروی گفیر لیبرال های طرفدار برقراری روابط "دستانه" با آمریکا برملا می گردد، زیرا تا زمینه اقتصادی - اجتماعی وابستگی طبقات و اقشار پذیرا و حامل آن باقی باشد و تا تمام رگ و پی وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ... ریشه کن نشده باشد،

پس وابستگی مضمون طبقاتی دارد، یعنی طبقه و یا طبقاتی این وابستگی را می پذیرند و آن را به مردم تحمیل می کنند، و چون وابستگی با منافع اکثریت مطلق مردم در تضاد است و جز با زور نمی توان آن را به مردم تحمیل کرد، هر حکومت وابسته ناگزیر یک حکومت دیکتاتوری است، و هر قدر وابستگی شدیدتر باشد، دیکتاتوری نیز سخت تر و سبتر است، چنان که دیکتاتوری محمدرضا شاهي چنین بود.

پس برای قطع تمام وابستگی ها به امپریالیسم جهان خوار - و به تمام کشور های امپریالیستی - قبل از هر چیز باید عنصر پذیرنده این وابستگی را از بین برد.

آیا در کشور ما این عنصر از بین رفته است؟ انقلاب ضربه سنگینی بر مواضع

روابط ما با آمریکا، چنان که امام خمینی هم گفته اند، چیزی جز روابط حاکم و محکوم نمی تواند باشد و این روابط را جز با یک حکومت سرکوبگر، که تمام آزادی ها را از مردم طبع کند - نمی توان حفظ کرد. کسانی که فریب سرب "آزادی" لیبرال ها را خورده اند، باید در این معنی تامل کنند که لیبرال های هوادار آمریکا، بر حسب ماهیت طبقاتی خودشان، نمی توانند به مردم "آزادی" بدهند.

مبارزه ما برای قطع وابستگی های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان به امپریالیسم آمریکا - و تمام کشورهای امپریالیستی - قبل از هر چیز باید تا مبارزه با طبقاتی که زمینه اقتصادی - اجتماعی این وابستگی ها را تشکیل می دهند، آغاز گردد. تنها پس از پیروزی در این مبارزه است که راه برای ریشه کن کردن این وابستگی ها هموار می گردد.

پس باید تمام اهرم های سیاسی، اقتصادی، مالی و اداری را از سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان گرفت. باید سرمایه داری لیبرال را نیز از نظر

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خلع - سلاح کرد. و به طور مشخص باید مواد قانون اساسی را در مورد ملی کردن صنایع بزرگ، بانکها، بیمه ها، بازرگانی خارجی، اصلاحات ارضی و ... هم چنین در مورد بخش دولتی، تعاونی و خصوصی در اقتصاد کشور دقیقاً و تمام و کمال اجرا کرد. فقط در چنین صورتی است که می توان زمینه اقتصادی - اجتماعی وابستگی را از بین برد، طبقات و اقشار وابسته و متقابل به وابستگی را در صحنه سیاسی منهدم ساخت و به قطع کامل وابستگی پایان داد.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

پرونده سازی ...

بقیه از صفحه ۳

در حکومت های انقلابی و ایجاد اغتشاش نیست، بلکه خطاب به همه انقلابیون است که جلو روح عمال امپریالیسم را در حکومت بگیرند - حکومت را بدرست خود نگاهدارند.

پاناماریف، با توجه به تجربه شیلی، نشان می دهد که چگونه عمال آمریکا در دولت آلینده روح کردند، چگونه مقامات حاس ارتشی را بدست گرفتند و چگونه رادیو و تلویزیون را وسیله تبلیغ علیه دولت انقلابی و زمینه ساز تشنج قراردادند.

پاناماریف به انقلابیون توصیه میکند که از تجربه شیلی بیاموزند و رسانم های گروهی را به دست عمال امپریالیسم و ارتجاع ندهند، در دست خودشان نگاهدارند.

نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی"، که گویا به تحمیل علمی یک "کتاب" پرداخته - با شیوه ای که کوچکترین اثری از شیوه علمی و وجدان علمی در آن نیست، تمام مضمون نوشته را برگردانده، جملات آنرا به معنای خلاف مقصود کوینده تعبیر کرده و به تحریف آشکار دست زده است.

برای مثال: پاناماریف، در ارتباط با کودتای شیلی، یادآوری می کند که دولت انقلابی آلینده در مقابله با عوامل ارتجاع و امپریالیسم، که در دست دولت روسخ داشتند، قاطعانه عمل نکرد. رادیو و تلویزیون در دست عوامل دشمن ماند و این وسیله، که اهمیت عظیمی در زمان ما دارد، به زبان انقلاب و به سود کودتاجیان بکار گرفته شد. به گفته های پاناماریف توجه کنید:

"تراژدی کونی خلق شیلی، گواه بارزی برواقبتی خطر فاشیسم است. حالا دیگر

خیلی ها به این نکته پی برده اند که بیداد خونین در شیلی، تیربارانها، اردوگاه های کار اجباری، کتاب سوزی ها، همه و همه شیوه های فاشیسم و هیتلر - میم است. حوادث شیلی جنبش نیرومندی برای دفاع از دموکرات ها و مبارزان انقلابی شیلی و نجات جان اعضای فعال و رهبران حزب کمونیست و حزب سوسیالیست و سایر نیروهای میهن پرست شیلی و رهایی آنان از پیگرد دژخیمان در سرسرجهان برانگیخته است. در همین حال کوششی که اکنون برای بررسی درسهای ناشی از حوادث شیلی و تعمق در آن برای روشن ساختن چگونگی سر آتی تکامل انقلاب در دوران کونی انجام می گیرد، شایان توجه است."

ملاحظه می کنید که سخن از خطر فاشیسم است و از تراژدی شیلی سخن از دفاع از دموکرات ها و مبارزان انقلابی شیلی است و از بررسی درسهای ناشی از حوادث شیلی است. در ارتباط با این درسهات که پاناماریف توجه میدهد که دولت انقلابی باید رادیو و تلویزیون را در دست خود نگاهدارد و آنرا بدست عوامل ارتجاع ندهد. به عین متن توجه کنید:

"در مبارزه اجتماعی - سیاسی کونی نقش وسایل ارتباط جمعی به حدی افزایش یافته که نظیری برای آن در انقلاب های گذشته نمی توان یافت. ضمناً تجربه شیلی به ما نشان میدهد که: برای کسب پیروزی، می بایست به تسلط دشمن طبقاتی بروسایل ارتباط جمعی و تبلیغاتی پایان داد."

نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی" نه فقط اصل موضوع را، که بررسی تجربه شیلی، یعنی پیروزی کودتای فاشیستی آمریکایی در آن کشور است - وارونه جلوه می دهد،

بلکه در متن نوشته نیز دست میبرد و کلمه "شیلی" را حذف می کند. به متن "انقلاب اسلامی" توجه کنید:

"در مبارزه اجتماعی - سیاسی کونی نقش وسایل ارتباط جمعی به حدی افزایش یافته که نظیری برای آن در انقلاب های گذشته نمیتوان یافت. ... برای کسب پیروزی، می بایست به تسلط دشمن طبقاتی بروسایل ارتباط جمعی و تبلیغاتی پایان داد."

شیلی و کودتای شیلی، به نقطه گذاشته است! نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی"، با این تحریف آشکار، نتیجه می گیرد که گویا پاناماریف به حزب توده ایران دستور العمل داده است که رادیو - تلویزیون را تسخیر کند در حالی که توصیه صریح پاناماریف به انقلابیون و از جمله انقلابیون دموکرات است که از شیلی درس بگیرند و این دستگاه مهم تبلیغاتی را به دست دشمنان یعنی کودتاجیان و عمال آمریکا، که در متن صریح شده، ندهند.

مثال دیگر: پاناماریف، که با توجه به تجربه شیلی، که در آن انقلابیون حکومت را به طور مسالمت آمیز به دست گرفتند و سپس براتر کودتای نظامی، حمله مسلح ضد انقلاب - از دست دادند، یادآوری می کند که انقلاب باید بتواند از خودش دفاع کند. انقلابیونی که به حکومت رسیده اند، باید از حکومت خود در برابر دسائس مسلمانان ضد انقلاب مسلمانان دفاع کنند و اشکال مبارزه را تغییر دهند، زیرا که پیروزی، با تکیه به امپریالیسم جهانی، همواره آماده است که تا افراطی ترین اقدامات پیش رود. متن گفته های پاناماریف چنین است:

"هر بار که منافع طبقاتی پیروزی با خطر واقعی روبرو میشود، پیروزی تمام منافع سرشار مالی خویش و از جمله روابطش را با سرمایه بین المللی

بکار می اندازد و برای عقیم گذاشتن جریان انقلاب به مهر اقدامی دست میزند و به شیوه های تروریستی کاملاً افراطی و دیکتاتورنشانانه برای سرکوب انقلاب متوسل می شود.

بنابراین، حوادث شیلی یادگیر نشان می دهد که توانایی حفظ دستاوردهای انقلاب و آمادگی برای تغییر سریع اشکال مبارزه یعنی تعویض اشکال مسالمت آمیز با غیر مسالمت آمیز و نیز پاسخگویی به قهر ضد انقلابی پیروزی به نیروی قهر انقلاب چه اهمیت عظیمی دارد. این حوادث ضرورت تفسیر صحیح و لینی راه مسالمت آمیز و غیر مسلمانانه پیروزی انقلاب را نیز خاطرنشان میسازد. برای تضمین پیروزی مسالمت آمیز انقلاب تنها کافی نیست که تناسب نیروهای اجتماعی به طریقی باشد که پیروزی جرات افروختن آتش جنگ داخلی را نداشته باشد بلکه آمادگی دائمی پنهانکننده (در عمل) نیز برای به کار بردن قاطع ترین وسایل و شیوه های مبارزه در صورت اقتضای اوضاع و احوال برای چنین ضمانتی ضروری است."

موضوع دقیقاً روشن است و نمی توان باور کرد که کسی بتواند آنرا سو تمسیر کند. ولی نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی" از همین جملات صریح نتیجه گرفته است که گویا پاناماریف به حزب توده ایران دستور العمل داده است (هفت سال پیش در یک مجله!)، که باید علیه دولت جمهوری اسلامی ایران اقدامات مسلمانان را تدارک کند!

مثال دیگر: پاناماریف صریحاً از مبارزه "جبهه" ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم، از قابلیت

پنهانکننده طبقه کارگر برای منهدم کردن انقلابی نظام سرمایه داری سخن می گوید. ولی نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی"، کلمه سرمایه داری را می اندازد و میگوید که گویا منظور منهدم کردن نظام جامعه است، "هر نظامی که در اردوگاه کدانی نباشد!!"

نوشته پاناماریف چنین است: (تکیه از ماست)

"این قابلیت که به نحو بیگانه با توجه به خصوصیات مرحله همین تکامل در کشور، در جهت منهدم کردن انقلابی نظام سرمایه داری جامعه، کام بردارد."

نتیجه گیری نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی" چنین است: (تکیه از ماست) "واضح است: آنان باید با توجه به خصوصیات مرحله همین تاکتیکها و روشهای را اتخاذ کنند که به منهدم کردن نظام جامعه منجر شود."

چنین است نمونه هایی از شیوه "علمی" نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی"! این نمونه ای از خورار است. در سرتاسر نوشته، حتی یک جمله، که در سطح بالاتر باشد، نمی توان یافت. نوشته سرتاپا تحریف است، که اگر بخواهیم همه نمونه ها را بیاوریم باید کتاب بنویسیم.

از آنچه گفتیم، روشن است که نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی" کاری با تحلیل علمی ندارد. کاری که نویسنده مقاله "ضد توده های انقلاب اسلامی" کرده، بررسی علمی نیست، پرونده سازی است. ما توجه خوانندگان را بویژه به این نکته جلب می کنیم، تا بدانند که حضرت لیبرالها و مائوئیست های خنده "آژاکس"، که پشت سر آنها ایستاده اند، برخلاف ادعاهای ظاهریشان، مخالفی با استبداد و زورمداری و بی قانونی و غیره ندارند. خود اینها جاده صاف کن فاشیسم اند.

در جلسه دیروز مجلس:

لزوم اجرای بند «ج» اصلاحات ارضی مورد تأکید قرار گرفت

یکی از نمایندگان خواستار سرعت بخشیدن به کار تکمیل کابینه شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که به ریاست جمعیات اسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان، ضمن اشاره به بند «ج» قانون واگذاری زمین، خواستار اجرای هر چه زودتر آن شد و گفت: «ماگر می‌خواهیم اقتصاد کشور خوب شود، باید زمین را به بیلبستها بدهیم. نخستین ناطق قبل از دستور، آقای...»

به آن، که در جلسه گذشته ناتمام مانده بود، ادامه یافت و چندین از نمایندگان در موافقت و مخالفت با این لایحه سخن گفتند.

سپس شهردار محترم «کیسیون مسکن و شهرسازی» درباره این لایحه سخن گفت و تأکید کرد که این وام برای تکمیل شهرکهای است که از زمان رژیم سابق بروی دست دولت انقلاب مانده است. وی همچنین متذکر شد که این شهرکها اکنون مدیریت دولتی دارند. مخیر کیسیون مسکن تأکید کرد که، وزارت مسکن آماده است، تا تمام پیشنهادهای را در زمینه تکمیل این شهرکها، بمنوعی که نرخ تورم را نیز بالا نبرد، مورد بررسی و پذیرش قرار دهد.

لزوم اجرای بند «ج»

دومین ناطق قبل از دستور، آقای جمعی، نماینده شهر بابک، طی سخنانی، ضمن اشاره به کمیود ۳ وزیر در رشته‌های اساسی و مهم کشور، خواستار تسری هر چه زودتر این وزرها شد. وی سپس تأکید کرد که مجلس باید همچنان در خط «مردم‌پوایی» حرکت کند، تا بتواند قانون اساسی و مخصوصاً اصل ۴۹ آن را بیاورد کند.

وی همچنین ضمن اشاره به بند «ج» و عدم اجرای آن گفت: «از آفاتان آیت‌الله منتظری آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله بختی می‌خواهم و یا خودمان یک قانونی تصویب کنیم که این بند «ج» هم به‌مورد اجرا گذاشته شود.

«ماگر می‌خواهیم اقتصاد مملکت خوب باشد، باید زمین را بدهیم به بیلبستها». آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد لایحه «تسری حاکمیت مبلغ وام مسکن و اتمان‌گرن ۴ ماده و یک تبصره

تخریب شهرکهای اطراف تهران و ناراضی‌های مردم

تعمیر شهرداری تهران در مورد تخریب شهرکهای اطراف تهران باعث نازاخی زحمتکشان ساکن این شهرکها شده است. در اجرای این برنامه، شهرداری تهران چندین بار به تخریب حدود سیمصدخانه شهرک خلخله سفید کرده که این عمل موجبات ناراضی‌های ساکنین این شهرک را فراهم آورد.

اینکه کفاین موضوع مربوط است و استوار جدیدی برای سوعاستفاده ضدانقلاب و گروهکهای مائوتیستی - آمریکائی کرده، ما ضمن دادن هشدار به مقامات شهرداری تهران، از آن‌ها سؤال می‌کنیم که:

چرا شهرداری تهران از همان ابتدا از ساختن چنین شهرکهای جلوگیری نکرد، تا مجبور نشود بعد از مدتی آنها را تخریب کند؟ و از این گذشته، آیا این اعمال می‌تواند به‌سود انقلاب باشد و مشکلات شهر تهران را حل کند؟

ما از مسئولین امر می‌طلبیم که هر چه زودتر با تجدیدنظر در این برنامه، که نتیجه‌ای جز ایجاد ناراضی‌های در بین عده‌ای از زحمتکشان ساکن این محل نخواهد داشت، بنوعی اصولی درصدد حل مشکلات و مسائل شهر تهران برآیند و اجازه ندهند که اقدامات آن‌ها زمینه سوعاستفاده ضدانقلاب شود.

مسالهی که در تهران ساخته می‌شود، به شهرناتنها و روستاها فرستاده می‌شود. آنگاه دکتر هادی ضمن تأکید بر اینکه وزیر مسکن اشکالات موجود در زمینه کار بنیاد مسکن را پذیرفته است، خواستار آن شد که با رسیدگی دقیق، مسئولیتی که چنین اشتباهاتی را مرتکب شده‌اند، شناخته شوند.

وی آنگاه خواست که این سؤال به‌منظور انجام همین تحقیق‌ها به کیسیون بررسی سؤالات ارجاع شود.

پس از تقسی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی توضیح داد که سؤالی که درباره فعالیت بنیاد مسکن مطرح شد، به‌پیچوجه فعالیت‌های مثبت و انقلابی بنیاد مسکن را نادیده نمی‌گیرد، بلکه منظور، ذکر نقاط ضعف کار این بنیاد و رسیدگی به آنها بوده است.

آنگاه مخیر «کیسیون امور اقتصادی»

گزارش شور دوم این کیسیون را درباره تصویب لایحه الحاق یک تبصره به لایحه قانونی منبیر افزایش مهلت مندرج در ماده ۳۸ قانون امور گمرکی از ۵ سال به ۱۰ سال، را قرائت کرد. پس از صحبت یک مخالف و یک موافق، این لایحه به رای گذاشته شد و به تصویب نمایندگان رسید. سپس گزارش دیوان محاسبات و بودجه مجلس درباره شور اول طرح قانونی تجدید نظر در قوانین دیوان محاسبات، منبیر تصویب این طرح قرائت شد. این گزارش برای‌گیری از نمایندگان به تصویب رسید. جلسه بعدی مجلس امروز تشکیل می‌شود.

توضیح

در گزارش مجلس شورای اسلامی، که در شماره دوشنبه ۲۷ بهمن ماه نامه «مردم» به چاپ رسیده بود، عبارت «طبق ماده ۸۵ قانون اساسی» اشتباها «ماده ۸۵ آیین‌نامه داخلی مجلس» درج شده بود، که به این وسیله تصحیح می‌شود.

ارامه یافت. نیری که ۴۰۰ دلار ناشناس در آن به شهادت رسیدند. «فوری» در شماره سه شنبه ۹ اسفند ۱۳۵۶ تحت‌عنوان «حقایق تلکان‌دهنده‌ای از قیام صدرزاد تفری تریز» ابدا منتشر کرد. رژیم شاه را چنین اذعان کرد: «خبرهایی که از تریز شهر قیام و خون و رزم می‌رسد، حقایق کتمان‌شده هواناکی را از قتل-عام یشرمانه و جنون آمیزایی تاجدار و مقاومت و پهلوانی و حمله آمیز خلق رنج‌زیده و به ستوه آمده آذربایجان برملا می‌کنند هر روز می‌باید از قیام تاریخی تریز بیخ موقوف و شاهان صحنه‌های این طغیان به خون تپیده، تعداد شهدا را تا ۴۰۰ نفر ذکر می‌کنند. درحالی که آمار مجروحان به حدود ۱۰ هزار نفر می‌رسد.

و بدینسان تریز قربان‌یار دیگر در خون ۴۰۰ شهید و هزاران مجروح قد برافراشت و انقلاب را چند گام به پیش‌راند. هشت‌اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، در تاریخ اول اسفند ۱۳۵۶، قیام مردم قربان تریز را چنین ارزیابی کرد: «ما درود پرشور خود را به مردم دلاور تریز، این گهواره ارجحند آزادی و جنبش مترقی در زمین ما ابراز می‌دانیم و به گلوله‌باران سیاه مردم از طرف رژیم ضد ملی و استبدادی شاه

پلیس، کامیونتها و تانکهای ارتش به‌شهر طغیان کرده حمله‌ور شدند. دانشجویان و یازدهان تریز پیشاپیش صفوف مردم قرار گرفتند. خون خیابانها را فرش کرد. در اولین یورش گرزهای حکومتی دهها چند روی زمین افتاد، اما در بسیاری از نقاط مردم از برابر جوخه‌های مسلح و تانکها و مسلسلها تگریختند، یا چوبدستی و مشت به تانکها تاختند. نبرد مشت بود یا تانک، گوشت و استخوان با آهن و باروت، اما خون‌ها گل می‌کردند و گلبا عطر دلیری می‌افشاندند و خلق خروشان با شعارهای آتشین به استقبال مرگ می‌رفت: - آزادی یا مرگ...»

(نویس - فوق‌العاده ۳۰ بهمن ۱۳۵۶)

و این نبرد تن به تن خلق، این حماسه رزم مشت با تانک، ده ساعت طول کشید. از ساعت ۳ بعد از ظهر تانکها و مسلسلهای سنگین در مواضع حساس تریز مستقر شدند. از عصر لشکر تریز برای سرکوب بلغیان مردم، که بعد از ظهر از حالت جمعی به صورت پراکنده و موضعی تغییر شکل‌داده بود، از یادگان-های عجیبشیر و مزهد یاری خواست. با اینهمه نبرد خلق با وزخیمان شاه تا پلیس از شب

روزی که...

قیه از صفحه ۱

خیابانها و میدان شهر قربان تریز، میدان جنگ تن به تن مردم با تانکها و مسلسلها بود و شعارهای آزادی، چون نشانی از شقایق و گل سرخ، درتوقان ترم و عصیان مردم، که شهر قربان را راز آتیکتیه بود، شکفت و پرور شد.

این جلسه، که فوق‌العاده «فوری» نشریه بزرگترین سازمان مخفی وابسته به حزب تودما ایران در دوران رژیم شاه، با آن آغاز میشود سه سال پیش، در روز ۳۰ بهمن ۱۳۵۶، جنایت دیگری از جنایات رژیم شاه را در سینه تاریخ ثبت کرد و در تریزای وسیع، یزده از کشتار بیرحمانه مردم قربان تریز برداشت.

و اکنون سه سال از آن‌روز خون و حماسه میگذرد. روزی که بعد از قم، تریز قربان بیباختست و در فریادهای توفانی خود اعلام داشت که دیگر مردم دلاور ایران آماده‌اند تا به قیمت خون عزیزان خود، بندهای ست و ادبار را پاره کنند. ۴۰ روز پیش از آن تاریخ، درخیمان شاه، قیام قبرمانانه مردم قم را در خون غرق کرده بودند و اکنون - روز ۲۹ بهمن - تریز، بدعوت جمعی از شخصیت‌های مبین دوست و آزادیخواه

رزمندگان دلاور...

یک تانک، یک تفنگ ۱۰۶ میلیتری، یک خودرو و چندین سنگر دشمن را به آتش کشیدند و حدود ۱۰ نفر از افراد عراقی را کشته و مجروح کردند. روز ۲۶ بهمن ماه شهر آبادان ناچارانه زین آتش سلاح ۴۰۲ خود، بخشی از جانبازیهای دلاوران ایرانی را به این شرح اعلام کرد:

۱- روز ۲۶ بهمن ماه مبادله آتش توپخانه بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و دشمن متجاوز در مناطق اهواز، سوسنگر و جسرنادری ادامه داشت و گشتیهای رزمی نیروی زمینی از تریز جمهوری اسلامی ایران در منطقه شوش موفق شدند یک نفری زرمی دشمن را منهدم و حدود ۱۵ نفر از افراد عراقی را مجروح کنند.

۲- دلاوران قهرمان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن در منطقه خونین شبر را زیر آتش گرفتند و یک برج دیده‌بانی با نژات آن، چند سنگر انفرادی و گروهی دشمن را نابود کردند.

۳- جانبازان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با اجرای آتش موثر بر مواضع دشمن در جبهه‌های آبادان، ۲ انبار مهمات،

۴- روز ۲۶ بهمن ماه با اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی برمتجاوزین در یکی از جبهه‌های دزفول ۱۳ خودرو دشمن به آتش کشیده و نابود شد. همچنین رزمندگان دلاور ایران در منطقه مرویان با حمله به مواضع دشمن متجاوز یک دکل مخابراتی، یک جادد گروهی و ۹ سنگر گروهی ارتش متجاوز عراق را نابود کرده و تعدادی از افراد عراقی را به هلاکت رساندند.

۵- روز ۲۶ بهمن ماه چند فرزند هواییهای مهاجم عراقی، که به فضای مناطق غرب کشور تجاوز کرده بودند، برائش تیراندازی یکانه‌ای پدافند زمین به هوا مجبور به فرار شدند.

تاریخ مبارزه مردم دلاور ایران با رژیم شاه

با حدتی هرچه تاامتر استراض می‌کنیم، حزب توده ایران در برابر شهادت این قایچه بزرگ سر تعظیم فرود می‌آورد و هم‌دردی و همبستگی خود را با بلزماندگان آنان ابراز می‌دارد. حوادث تریز زلزله بزرگی است که در کاخ ولید استبداد محمد رضاشاهی روی داد و بزرگترین موج جنبش مردم در سالهای اخیر است و نشان میدهد که در «جزیره ثبات» توفان خشم‌هنگامی می‌گرده.

و این توفان خشم بود که پایه‌های تخت شاهی را به لرزه درآورد و دستگام پلیس آریامبر به تلاش بیش‌رمانه‌ای دست زد، تا قیام خلق را به خارج منتسب کند. وزیر اطلاعات فرومایه شاه - داریوش همایون - گفت که شورشیان گروه معدودی بوده‌اند که از خارج داخل تریز

پایان خواهند زدیم.

با برخورد هشیارانه مسئولین:

رسیدگی به مشکلات ۱۲۰۰ راننده مینی بوسهای شرکت واحد آغاز شد

گروهی از رانندگان مینی بوسهای شرکت واحد روز دوشنبه (۲۷ بهمن) برای جلب توجه مسئولین شرکت واحد به مشکلات مینی بوسها، در محوطه پارکینگ مینی بوسها، واقع در خیابان عباس آباد اجتماع کردند. این افراد جزء ۱۲۰۰ نفری هستند که از حدود ۹ ماه پیش از ادارات مختلف برای کار در شرکت واحد به این واحد منتقل شدند و اکنون، یازده ماه از مدت ماموریتشان می گذرد (مدت ماموریت این افراد ۶ ماه ذکر شده بود) هنوز مشغول کار هستند.

گروهی از این رانندگان در گفتگویی با خبرنگار نامه مردم مسائل و مشکلات خود را در میان گذاشتند. آنان خواستار این بودند که شرکت واحد یا آنان را باز خرید کند، یا پرونده استخدامی آنان را با پرونده استخدامی افرادی که کارمند رسمی شرکت واحد هستند، منطبق کند و یا تمامی این افراد را به اداره های خودشان منتقل کند. این رانندگان همچنین از تفاوت زیادی که بین حقوقشان و حقوق افراد رسمی شرکت واحد وجود دارد، اظهار نارضایتی کردند. رانندگان

مزبور تاکید داشتند که باید در شرایط فعلی کار کرد و کارکنان سود خرد انقلاب خواهد بود، لکن در همین حال باید به وضع حقوق و کار آنان نیز رسیدگی شود.

در این اجتماع، یکی از اعضای کمیته مرکزی انقلاب اسلامی نیز حضور یافت و طی سخنانی از رانندگان خواست که پس از انتخاب نمایندگان خود، خواستهای خود را با هیئتی که مسئول رسیدگی به این مسئله است در میان گذارند. وی همچنین از کارگران خواست که به کار خود ادامه دهند و تاکید کرد که تا روز پنجشنبه، نتیجه اقداماتی را که در مورد خواستهای آنان انجام می گیرد، به اطلاع آنان خواهد رساند.

نامه مردم برخورد هشیارانه مسئولان با مشکلات رانندگان مینی بوسهای شرکت واحد، مامینواریم که با رسیدگی هر چه سریعتر به این مشکلات و انجام خواستهای عادلانه رانندگان، اجازه داده نشود که ضدانقلاب، با استفاده از نارضایتی این رانندگان، امیال شوم خود را اجرا کند.

۷ سال از شهادت خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان گذشت

کرامت و خسرو: دو ستاره خونین بر پرچم انقلاب



کنند، راه مولا حسین است. به این گونه است که در یک جامعه مارکسیستی، اسلام حقیقی بتواند یک رویت قابل توجهی است و ما نیز چنین اسلامی را، اسلام حقیقی را و اسلام مولای را قاید می کنیم.

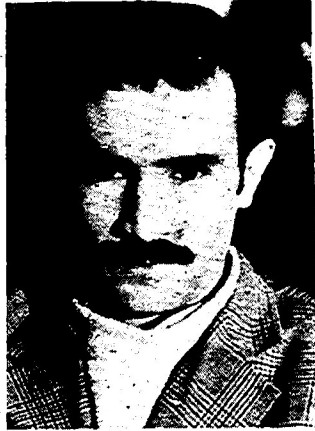
خسرو و کرامت از همان بیدادگاه به قلب توده ها راه یافتند و بهمان اندازه تفرق رژیم شاه ملعون را نسبت به خود چند برابر کردند. پاسخ رژیم جنایتکار شاه به دلایلی آنها چیزی غیر از مرگ نبود. و سرانجام دو دلاور، سحرگاه ۲۹ بهمن ۵۲، جان خویش را نثار انقلاب کردند. وقتی توده ها به میدان آمدند، همانها که «گل سرخی» را مظنر انقلاب ایران کرده و در دوزخ ترین شرایط، بر سر میله گل سرخی زده بودند، در شمارهای سوزان خود، خسرو را چنین نام دادند.

- گل پرور ایران، گل سرخی...

شروع ترین و از همه مدح رژیم خون و شکنجه را بگویند، به بیدادگاه نظامی آورده شدند. رژیم شاه ملعون خوشحال بود که از خیمه شب بازی بیدادگاه نهایت بهره برداری را خواهد کرد. بهمن دوربین های تلویزیونی جریان به اصطلاح محاکمه را مستقیماً ضبط میکردند. در ابتدا هم ظاهراً اوضاع سود رژیم پیش میرفت. حویتی کتک های خانه نشین، به مداحی رژیم دست نشاندگی یهلوی پرداختند. «دوربین های ساواک از خوشحالی با دشمنان گردو می شکستند. خوشحال بودند که چند فرومایه خود فروخته دارند آب طپیر بر سر رژیم اهری می می ریزند. اما وقتی نوبت گل سرخی و دانشیان رسید، همه رشته های ساواک پاره شد. آندو با مشت های گره کرده بیدادگاه شاه را به دادگاه جنایات رژیم شاه تبدیل کردند. خسرو، خروشان و خشمگین، با چشمانی که از آن شعله بر می خاست، و کرامت، مسمم و آرام، بجای دفاع از خود، از خلق دفاع کردند و رژیم ددمش آریامهری را به محاکمه کشیدند.

خسرو، در املات بیدادگاه شاه، در محاصره سربازها و دژخیمان، از ازارهای وارطانها و روزبه ها سخن گفت، و چنانکه شایسته یک انقلابی است، به دفاع از ایدئولوژی خود پرداخت.

خسرو، در آن سال که هنوز مبارزه خلق زیر پرچم اسلام انقلابی آغاز نشده بود، از نزدیکی اندیشه مارکسی و علی یاد کرد و «مولا علی» را نخستین سوسیالیست جهان نامید. خسرو در دادگاه بانگ زد: «آنجایی که خلقها تکرار کردند و می...



هفتسال پیش، در سحرگاه چنین روزی، دژخیمان شاه ملعون دوانقلابی رشور را به چوبه اعدام بستند، تا خروش خلق را، که از دهان آنها فریاد میشد، خاموش کنند.

خسرو گل سرخی، شاعر انقلابی و کرامت الله دانشیان ز زنده دلاور، در سحرگاه بیست و نهم بهمن ماه ۱۳۵۲، در مقابل جوجه اعدام ایستادند و دلیرانه سرود فتح خواندند.

آندو در آغاز سال ۱۳۵۲ دستگیر شدند و رژیم جنایتکار شاه، در یک خیمه شب بازی رسوا، اعلام کرد که آنها قصد داشته اند شاه ملعون و خانواده اش را ترور کنند.

پس از شکنجه های غیر انسانی، دو دلاور خلق، که با مشت های گره کرده به جلا دادن کمیته دهه گفته بودند، همراه چند زیکولوی سیاسی، که سوگند خورده بودند یا

هشدار جبهه خلق برای آزادی عمان در باره مانور نظامی آمریکا و عمان

جبهه خلق برای آزادی عمان، طی اعلامیه ای، مانورهای نظامی آمریکا و عمان را، که قرار است بزودی انجام گیرد، محکوم کرد. در اعلامیه این جبهه آمده است: «فوجریان این مانورها قرار است عملیات نیروهای واکنش

سریع آمریکا در زمینه برقراری نظارت بر تمام این منطقه و ضروری است. وارد کردن بر جنبش های رها بیخشی عرب تقطیع و اصلاح شود. این جبهه همچنین خواستار خروج هر چه زودتر نیروهای نظامی آمریکا از این منطقه شده است.

سرکوب گروه های تروریستی در افغانستان

واحدهای ارتش افغانستان با پشتیبانی نیروهای مسلح داوطلب خلقی، چند گروه تروریستی در ایالات کابل و پروان را سرکوب کردند. افراد دستگیر شده این گروهها به سلاحهای چینی و مصری مسلح بودند.

از سوی دیگر رادیوی کابل اعلام کرد که در ایالات زابل و سمنگان ۳۰۰ نفر، که به جرم فعالیت های ضد انقلابی بازداشت شده بودند، پس از ابراز ندامت از اعمال خود، از زندان آزاد شدند.

امپریالیسم آمریکا دخالت خود را در سرکوب مبارزان السالوادور افزایش می دهد

امپریالیسم آمریکا ابعاد دخالت خود در امور السالوادور را افزایش داده است. گزارش روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز به روشنی این مطلب را بیان می کند. این گزارش حاکیست که در نظر است هلی کوپتر جنگی و تجهیزات مدرن در اختیار داروینسته حاکمین السالوادور گذاشته شود.

همچنین تعداد مستشاران نظامی آمریکا در این کشور نیز افزایش خواهد یافت. این مستشاران، که اکنون تعدادشان بالغ بر ۱۰۰۰ نفر است، در عملیات جنایتکارانه ارتش السالوادور علیه مبارزان انقلابی کشور شرکت مستقیم دارند.



وزیر خارجه لیبستان: لهستان عضو و قادار جامعه کشورهای سوسیالیستی است

یوزف گیروک، وزیر امور خارجه لیبستان، در مصاحبه ای با خبرنگاری تاس در ورشو تاکید کرد که: «لهستان عضو و قادار خانواده کشورهای سوسیالیستی است و سهم خود را در مبارزه بخاطر صلح ادا خواهد کرد».

وی همچنین گفت: «این کشور برای گسترش یش از یش مناسبات خود با اتحاد شوروی و تمام کشورهای سوسیالیستی اهمیت خاصی قائل است».

وزیر خارجه لیبستان درباره کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، که قرار است بزودی افتتاح شود، گفت:

«بست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در لیبستان مورد توجه زیادی قرار گرفته است. تصمیمات کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی همیشه از لحاظ حس مسئولیت در قبال سرزوش بشریت ممتاز است. تأثیرات این کنگره در ریشه سیاست خارجی بدون شک اساسی مبارزه مشترک کشورهای سوسیالیستی در ادامه راه تشنج زدائی را پایه گذاری خواهد کرد».

در اولین سالروز تجاوز خونین چین به ویتنام برتری طلبان پکن همچنان توطئه علیه خلق ویتنام را ادامه میدهند

ویتنام سوسیالیستی، در دومین سالروز تجاوز برتری طلبان پکن به خاک این کشور، از پکن خواست که از تحریکات خود علیه خلق ویتنام دست بکشد. در اعلامیه ای که در این زمینه در هانوی منتشر شده، آمده است:

«نظامی گران چین طرف ۳ سال پس از تجاوز خونین خود به ویتنام، یش از ۴ هزار بار دست به تحریکات نظامی علیه خلق ویتنام زده اند. پکن که در سال ۱۹۷۹ شکست خورد، همچنان به اجرای سیاست ضد ویتنامی خود ادامه می دهد و اکنون به جنگ روانی علیه این کشور مشغول است و جاسوسان و خرابکاران خود را به ویتنام اعزام می کند».

کمک مالی به حزب توده ایران - یک وظیفه انقلابی است!

جمع آوری شده در عروسی ب و ر از قائم شهر ۱۶۵۰۰ ریال
سازمان حزب در شاهرود ۴۰۰۰۰ ریال
هواداران حزب در دامغان ۲۵۰۰۰ ریال
سازمان حزب در سمنان ۱۰۰۰۰۰ ریال
ح. ر ۵۰۰۰ ریال

جمع آوری شده در جشن عروسی کتی ۱۷۰۰۰ ریال
آناهیتا ک ۱۰۰۰۰ ریال
پونه و بیتا ۱۰۰۰ ریال
سهراب، ش از اسلام آباد ۱۰۰۰۰ ریال

هلیا ۵۰۰ ریال
هواداران حزب در مردآباد کرج ۵۰۰۰ ریال
علی ایکناری از قلکس ۳۰۰ ریال
عباس ص. از تهران ۵۰۰۰ ریال
از جشن عروسی م و نسیم ۲۷۰۰۰ ریال
از زمبانی ب و پ ۵۰۰۰ ریال
ز. ک از موجودی قلکس ۴۰۰۰ ریال
برویژ ط. ۵۰۰۰ ریال
بیتا ۳۶۰۰ ریال
خشیایار به حزب مادرش ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قتی کریمش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیردازنده

نماه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزانی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 447
18 February 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۹
منطقه ۱۴ پستی تهران